



تأثیر سنت‌های مولوی در کتاب «مبدأ النور» اثر بابا رحیم مشرب

The Influence of Mawlawi Traditions in the Book Mabda'-al-Nur by Baba Rahim Mashrab

Nargiza SHOALIYEVA¹

Email: nshoaliyeva74@mail.ru

Orcid No: <https://orcid.org/0000-0002-7314-0093>

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر عمیق مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین رومی بر ادبیات ازبکی، با تمرکز ویژه بر آثار بابا رحیم مشرب می‌پردازد. با تحلیل انتقادی مبدأ نور اثر مشرب، که شرحی شاعرانه بر مثنوی است، این مطالعه نشان می‌دهد که اندیشه‌های عرفانی و فلسفی رومی، به ویژه مفاهیم عشق الهی، فنا (fanā) و اتحاد با مطلق (tawhīd)، چگونه ابعاد موضوعی و معنوی شعر کلاسیک ازبکی را شکل داده‌اند. تطبیق مشرب نشان‌دهنده ترکیبی از اخلاقیات صوفیانه، ارزش‌های انسانی و آموزه‌های تربیتی است که میراث فرهنگی و ادبی جهان فارسی‌زبان را با سنت شعر ازبکی پیوند می‌دهد. مقاله همچنین تکنیک‌های روایی و شعری را بررسی می‌کند که مشرب از طریق آن‌ها اندیشه‌های رومی را درونی کرده و همزمان آن‌ها را برای مخاطبان عصر خود قابل فهم ساخته است. این مطالعه به درک انتقال افکار رومی فراتر از مرزهای ادبی فارسی کمک کرده و نقش مشرب در حفظ سنت شعر عرفانی در آسیای مرکزی را برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی: رومی، بابا رحیم مشرب، تصوف، غزل‌ها، عشق الهی، فنا (fanā)، شعر عرفانی، ادبیات ازبک

ABSTRACT

This article explores the profound influence of Mawlānā Jalāl al-Dīn Rūmī's Masnavi-ye Ma'navi on Uzbek literature, with a particular focus on the works of Bābā Raḥīm Mashrab. By critically analyzing Mashrab's Mabda'-yi Nūr, a poetic commentary on the Masnavi, this study highlights how Rūmī's mystical and philosophical ideas—especially those concerning divine love, annihilation (fanā), and unity with the Absolute (tawhīd)—shaped the thematic and spiritual dimensions of Uzbek classical poetry. Mashrab's adaptation demonstrates a synthesis of Sufi ethics, humanistic values, and didactic motifs, bridging the cultural and literary heritage of the Persianate world with Uzbek poetic tradition. The article further examines the narrative and lyrical techniques through which Mashrab internalized Rūmī's thought, making it accessible to his contemporaries while preserving the essence of mystical experience. This study contributes to understanding the transmission of Rūmī's ideas beyond Persian literary boundaries and underscores Mashrab's role in sustaining the mystical poetic tradition in Central Asia.

Keywords: Rūmī, Bābā Raḥīm Mashrab, Sufism, ghazals, divine love, annihilation (fanā), mystical poetry, Uzbek literature.

مقدمه

از آغاز آفرینش انسان، مسائل مربوط به معنویت، اخلاق و تربیت همواره برای هر عصری اهمیت داشته است. اندیشه‌های عرفانی و حکمت‌محور شرق، به ویژه آثار جلال‌الدین مولوی، نقش مهمی در شکل‌دهی به ادبیات و فرهنگ معنوی مناطق فارسی‌زبان و آسیای مرکزی ایفا کرده‌اند. (Chittick, 1983; Schimmel, 1975) مثنوی معنوی با حکایات پندآموز و غزل‌های پرمغز، نه تنها آموزه‌های اخلاقی و عرفانی را منتقل می‌کند بلکه نگاه انسان به جهان و هستی را نیز بازنمایی می‌سازد. ترجمه‌های مکرر و گردآوری‌های متعدد از آثار او به زبان ازبکی، گواه نزدیکی اندیشه‌های رومی با جهان معنوی مردم ماست.

به ویژه در قرن بیستم و یکم که عصر فناوری‌های رایانه‌ای است، تربیت و اخلاق نسل جوان نسبت به گذشته پیچیده‌تر گشته است. بی‌شک در چنین شرایطی، آثار حکیمانه و تعلیمی می‌توانند یاری‌رسان باشند. پس از دستیابی میهن ما به استقلال، فرایند بازخوانی

¹ Assoc. Prof., International Islamic Academy of Uzbekistan, Department of Uzbek and Foreign Languages, 11, A.Kadiri, Tashkent, 100011, Uzbekistan.



The Influence of Mawlawi Traditions in the Book Mabda'-al-Nur by Baba Rahim Mashrab/ Nargiza Shoaliyeva

و بازشناسی میراث نیاکان بر حسب شرایط و نیازهای روز آغاز گردید. بررسی ویژگی‌های خاص آثار و تعالیم بزرگان ادب و نیز تحلیل بازتاب آن در شعر معاصر، وظیفه‌ای خطیر بر دوش پژوهشگران ادبیات است.

نوایی در نسایم‌المحبت فصلی ویژه اختصاص داده است. او در محبوب‌القلوب اهل قلم را به سه گروه تقسیم می‌کند: شاعرانی که عشق حقیقی را ستوده‌اند، شاعرانی که عشق حقیقی و مجازی را در هم آمیخته‌اند، و شاعرانی که تنها عشق مجازی را وصف کرده‌اند. در این تقسیم‌بندی، مولانا عارف و مرشد معنوی خویش را در گروه نخست جای می‌دهد و چنین نوشته است: "اکنون بگذارید از برخی از این بزرگان که به این گروه شریف تعلق دارند، یاد کنیم: از جمله آنان شیخ فریدالدین عطار است که با عبارت فارسی گوهر اسرار را نظم کرد؛ و مولانا جلال‌الدین، یعنی مولوی رومی، که مثنوی را نوشت و ساقی دریای قلب گردید. غرض اینان از سرودن شعر، بیان اسرار الهی و پراکندن معرفتی بی‌پایان بوده است." (Alisher Navoiy, 1983)

روشن است که ادبیات از یک از ادبیات شرق جدایی‌ناپذیر است و به‌ویژه توجه به آثار رومی از روزگار عیشیر نوایی آغاز گشته است؛ چنان‌که در آثار او به موضوعات عرفانی عنایتی خاص دیده می‌شود و در مسئله عشق، مفاهیمی همانند با اندیشه‌های مولانا را در مقاله‌ای مستقل بررسی کرده‌ایم.

از میان شاعران و متفکران برجسته ادب صوفیانه در جهان ترک و فارسی، بابا رحیم مشرب (حدود ۱۷۱۱-۱۶۴۱) جایگاهی بالا دارد. در میراث ادبی به‌جای‌مانده از او، روحی رمانتیک و پرشور می‌وزد. در غزل‌ها، مستزادها و مرابع‌های او، موضوع عشق و محبت و وفا و صداقت جایگاهی پیشرو دارد، در حالی‌که در مخمس‌ها و مسدس‌های وی، جنبه اجتماعی عمیق‌تری آشکار است. اندیشه‌های دینی و عرفانی نیز، به همراه برخی نشانه‌ها و تأکیدات طریقت قلندری که در آن روزگار رواج داشت، در اشعار او سهمی چشمگیر یافته‌اند.

بابا رحیم مشرب با اثر *مبدا'النور* میراث مولوی را در بستر فرهنگی از یکی بازآفرینی کرده است. او نه تنها مفاهیم عرفانی را حفظ کرده، بلکه آن‌ها را با ادبیات و اخلاق جامعه خود تلفیق نموده است. این مطالعه با تحلیل انتقادی *مبدا'النور* نشان می‌دهد که چگونه آموزه‌های عشق الهی، فنا و توحید در اشعار مشرب به شکل قابل فهم و اثرگذار برای مخاطبان زمان او ارائه شده‌اند (Badriddinova, 2024; Gedik, 2011).

مسئله پژوهش و اهداف

سؤال اصلی پژوهش این است که آیا *مبدا'النور* تنها شرحی بر مثنوی معنوی است یا بازآفرینی خلاقانه‌ای از آموزه‌های مولوی؟ فرضیه مقاله بر این استوار است که مشرب با بومی‌سازی مفاهیم عرفانی مولوی، آن‌ها را در قالبی قابل دسترس و تربیتی برای جامعه ترکی- از یک ارائه کرده است. (Karshiyeva & Norkulova, 2024)

چارچوب نظری

تحلیل این مقاله بر سه مبنای نظری استوار است:

1. جهان فارسی‌مآب: شبکه گسترده‌ای از تعاملات فرهنگی و ادبی که مرزهای زبانی و جغرافیایی را درمی‌نوردد. (Hodgson, 1974)
2. بینامتنیت: هر متن در گفت‌وگو با متون پیشین معنا پیدا می‌کند. (Kristeva, 1980)
3. هرمنوتیک عرفانی: تحلیل مفاهیم کلیدی عرفان مانند فنا، بقا و توحید در سنت اسلامی. (Foruzanfar, 2000; Iste'lomi, 2001).

بازتاب عشق الهی

مشرب به دو زبان ازبکی و فارسی شعر سروده است، و از این‌رو آثار او در افغانستان و آسیای میانه مقام بالایی یافته و شهرت بسیار دارد. وی را صوفی پرهیزگار، دانشمند خردمند و عالمی بی‌بدیل دانسته‌اند و مردم زمانه‌اش او را "ولی خدا" می‌نامیدند. احترام و ارادت مردم به او چنان بود که لقب "شاه مشرب" را به دست آورد.

از مشرب اشعاری بسیار در روح و حال و هوای مولانا باقی مانده است. موضوعی عشق، ایمان، محبت، دوستی، توکل، فنا و بقا، احوال و مقامات در آثار هر دو شاعر دیده می‌شود که این از افکار و اندیشه عارفانه و پیوسته در کشف حق سفت بودن میباشد.

مولوی عشق الهی را پایه تمام سلوک عرفانی می‌داند:



The Influence of Mawlawi Traditions in the Book Mabday'-al-Nur by Baba Rahim Mashrab/ Nargiza Shoaliyeva

ملت عشق از همه دین‌ها جداست
عاشقان را ملت و مذهب خداست

این عشق در مبدأ *النور* مشرب چنین بازتاب یافته است:

انالحق گوی ایچادم، تجلی پرور عشقم
مدام از خون منصورم میی در ساغر عشقم
نه از کفرم تمنایی، نه از اسلامم امیدی

ندانم کعبه و بتخانه از هم، کافر عشقم. (Mabdayi nur, 1994)

در اینجا عشق به یک تجربه شخصی و عمیق تبدیل می‌شود که هم آموزنده است و هم احساسات عرفانی را منتقل می‌کند.

(Schimmel, 1975)

نمونه شعر از یکی مشرب:

اوتر

اگر عاشق‌لیغیم انتسم، گویوب جان و جهان اوتر،
بو عشق سیرین بیان ایتسم، تقی اول خانمان اوتر.
کیشیگه عشق اوتیدین زره ی یتسه، بولور گریان،

بولوب بی صبر و بی طاقت، یوره ک بغری چنان ارتر. (Mabdayi nur, 1994)

در سال ۱۹۹۴ میلادی، کتاب "مبدأ نور" که در حقیقت شرحی بر مثنوی معنوی جلال‌الدین رومی است به نام بابا رحیم مشرب به چاپ رسید. در دفتر نخست این اثر ۴۶ حکایت، در دفتر دوم ۵۹ حکایت و در دفتر سوم ۲۷ حکایت آمده است که در مجموع شامل ۱۳۲ داستان می‌شود.

استعاره نی و باز آفرینی

مولوی نی را نمادی از جدایی انسان از اصل هستی می‌داند:

پشنو از نی چون حکایت می‌کند

مشرب در مبدأ *النور* این استعاره را باز آفرینی کرده و با تأکید بر آموزش اخلاقی و عرفانی آن را به زبان و فرهنگ از یکی منتقل کرده است: (Badrididina, 2024)

*Anglag'il nay ne hikoyatlar qilur,
Kim judolig'din shikoyatlar qilur,
Nay vujudı orifiy bilohdur,
Chiqsa naydin har sado dono bilur,
Har zamon naydin chiqur savtu sado,
Bas quloq solsang barisi bir nido.
Xayru sharni on qadar tahqiq qil,
Ey Aminiddin mani pandimni bil.
Sargaron aylar sani kibru g'urur,*



The Influence of Mawlawi Traditions in the Book Mabda'-al-Nur by Baba Rahim Mashrab/ Nargiza Shoaliyeva

Garchi munda bilmasang marg bildirur. (Mabdayi nur, 1994).

در این ابیات آغازین "مبدأ نور"، بابزهم مشرب معنای موجود در مثنوی مولوی را با نگرش‌های فلسفی و عارفانه‌ی خویش باز می‌نماید؛ بدین‌گونه که انسان و خدای آفریننده را در اصل، یکی و یگانه می‌داند، لیک وجود آدمی را چون نی‌ای می‌بیند که جان در آن نهفته است. روحی که از اصل خویش جدا افتاده، در شوق وصال و بازگشت به آن وجود مطلق، از نی ناله‌های سوزناک برمی‌خیزد.

مشرب نیز اخلاص و ارادت خویش را به مولوی در ابیات خود آشکار ساخته است:

Kecha kunduz erurman yaxshilar payravi,

Bul sababdin haq manga yetkurdi holo Ma'naviy. (Mabdayi nur, 1994).

او به نیکان اقتدا کرد و از جمله، مولانا جلال‌الدین رومی را مرشد خویش گرفت. به برکت تربیت استادان، به لطف حق نایل آمد و پروردگار، "معنوی" را بر او ارزانی داشت. این جا دو معنا نهفته است: نخست، راه پرماجرای عاشقی که سرشار از مشقت و رنج است و او را راهی بخشیده، به حضرت حق می‌رساند؛ و دوم، کتاب مولانا، "مثنوی معنوی". مشرب در آن آینه، جهان درون خویش را باز می‌یافت و به یاری مثنوی، عمری در صیقل نفس و جان می‌کوشید و نیز می‌کوشید گام به گام، رد پای مولانای رومی را بازپیماید؛ ردپایی که از آن سماع و رقص و نوشدن که ناشی از جذب‌های الهی بود برمی‌خاست. تعبیرات و جمله‌های پسین این تصویر را گسترش داده، بر آن می‌افزاید.

Sahli pand aro tiyma, nodoni ey mardi qaviy,

Siyayni pokimga jodur kulli sharhi masnaviy, (Mabdayi nur, 1994).

"شرح مثنوی" سراسر در دل صاحب این سطور جای گرفته و با جان او در آمیخته است.

Sarguzashtimdan eshit, avval xudo ochdi yo'lim,

Bir kecha uyqumga hozir bo'ldi Mavlonayi Rum, (Mabdayi nur, 1994).

شاعر خود نیز اعتراف می‌کند که از مولانا جلال‌الدین رومی الهام گرفته و او راه را بر وی گشوده است.

در "مبدأ نور" حکایاتی آورده شده که از زندگی صوفیان بزرگ گرفته شده یا با حیات ایشان پیوند یافته است؛ و همچون حکایت‌های پندآموز و اخلاقی - تربیتی که از دیرباز در ادبیات مکتوب و شفاهی مسلمانان مشرق زمین، به زبان‌های عربی و فارسی، دریاریه پیامبران، شاهان و امیران، اولیا، مشایخ، خواجگان، پارسایان و دیگر بزرگان شهرت داشته، روایت شده است.

"مبدأ نور" اثری منظوم و هنری است که در حال و هوای تصوف نگاشته شده و جنبه‌ای اخلاقی - تربیتی دارد. مشرب در کتاب خود، زیستن با یاد خدای یگانه، فراموشی کامل نفس، دست شستن از لذت‌ها و خوشی‌های بی معنا، پاکی و صداقت، درستکاری، تقوای حقیقی، پرهیز از خیانت به حق دیگران، مهربانی با یتیمان و نیازمندان، و بخشندگی و سخاوت را از والاترین صفات و فضایل انسانی می‌شمارد و بدان‌ها فرا می‌خواند. نویسنده در بیان ویژگی‌های مثبت و منفی زندگی آدمی، همه جا از قرآن و احادیث نبوی گواهی می‌آورد و اندیشه‌ی خود را بر بنیاد احکام و سنن دین اسلام استوار می‌سازد.

فنا و بقا

فنا در عرفان مولوی به معنای از میان رفتن خود و پیوند با حقیقت مطلق است. مشرب فنا را با نقد تعلقات دنیوی و تأکید بر توحید بازتاب می‌دهد:

Jiyfai dunyoga har kim bo'ldi g'arq,

Kufri iymonni qilolmas hech farq (Mabdayi nur, 1994).

این بیان معنا و نقش فنا را در زندگی انسانی برجسته می‌سازد. (Gedik, 2011)

فروتنی، نرمی و افتادگی از برترین خصلت‌های انسانی است و از نشانه‌های مسلمانی به شمار می‌رود. آن‌که به مال و منصب خویش بنزد و دیگران را خوار شمارد، هرگز مسلمان راستین نیست.

O'zingdan pastni ko'rsang, qil tavoze, bermagin ozor,



Hamisha go'shi dilga bu edi murshidni takrori (Mabdayi nur, 1994)..

Ey birodar, mulkka qo'yma iqtido,

Dushmani joning erur g'ayri Xudo (Mabdayi nur, 1994).

بابارحیم مشرب "مثنوی مولوی را به شیوه‌ای بسیار مردمی یعنی ساده و روان و دلنشین شرح داده است. در این شرح، بیشتر جنبه‌های تربیتی و اخلاقی دیده می‌شود که تا امروز نیز ارزش و اهمیت خود را از دست نداده است. حکایاتی که او تحت تأثیر مولوی نگاشته، ساده و روان است، و در غزل‌هایش آتش عشق و درد جانسوزی نهفته است که شباهت فراوانی به لحن و سوز مولوی دارد. هیچ‌کس «مثنوی» را همچون مشرب تفسیر نکرده است، چراکه او خود ولی‌الله و شاعری عارف‌مشراب بود و در اثر خویش "مبدأ نور"، "مثنوی" را به صورت منظوم و شاعرانه شرح داده و در برخی موارد نیز کوشیده است قدرت و مهارت شاعری خود را بنمایاند.

اصغر محکم چنان می‌گوید "خدمت مشرب در این است که او مثنوی را نه صرفاً از دیدگاه مکتب‌ها و جریان‌های فلسفی گوناگون یا مذاهب مختلف، بلکه به عنوان یک ولی راستین و یا انسانی کامل تفسیر کرده است. او حتی برخی ابیات مثنوی را ترجمه کرده و با توضیح همراه ساخته است." (Asqar Mahkam, 2003).

در این زمینه، مشرب از درد و عشق آتشین مولوی الهام گرفته و بدین سبب توانسته است عشق مولویانه را در زبان ازبکی بازتاب دهد و در ادبیات ازبک جایگاهی ویژه بیابد. بیان صمیمانه، غنای عاطفی و نگاه عارفانه‌ی او سهمی بزرگ در بالندگی مکتب شعر ازبکی داشته و تا به امروز به نسل‌های پسین شاعران به مثابه گنجینه‌ای معنوی خدمت کرده است.

بحث و تحلیل

تحلیل نشان می‌دهد که مبدأ *النور* تنها شرحی ساده نیست، بلکه بازآفرینی خلاقانه و بومی از آموزه‌های مولوی است. مشرب نمادها و مفاهیم مولوی را در زبان، سبک شعری و بافت فرهنگی ازبکی باززبان‌سازی کرده است. (Shoaliyeva, 2025)

نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد که مبدأ *النور* بازآفرینی خلاقانه سنت مولوی است. مشرب آموزه‌های عشق الهی، فنا و توحید را به قالب شعر و آموزش اخلاقی در جامعه ترکی-ازبکی ارائه کرده و بدین ترتیب، پیوند فرهنگی میان سنت ادبی فارسی و ازبکی را مستحکم ساخته است.

از طریق مبدأ نور، مشرب مفاهیم عشق الهی، فنا و سفر روح را در قالب‌های شعری قابل فهم و مؤثر برای هم‌عصران خود ارائه کرده است. آثار او نمونه‌ای از ترکیب هماهنگ فلسفه عرفانی، اخلاقیات صوفیانه و ارزش‌های انسانی است و پیوند فرهنگی میان سنت ادبی فارسی و ترکی-ازبکی را مستحکم می‌سازد.

نقش مشرب به ویژه در توانایی او برای تبدیل اندیشه‌های متافیزیکی پیچیده به اشعار روایی و غنایی قابل دسترس و تأثیرگذار برجسته است، که به تفکر معنوی و رشد اخلاقی خوانندگان کمک می‌کند. بدین ترتیب، میراث او همچنان نسل‌های بعدی شاعران و متفکران صوفی ازبک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که انتقال اندیشه‌های رومی از طریق آثار مشرب نمونه‌ای بارز از اهمیت مداوم ادبیات صوفیانه در شکل‌دهی به گفتمان اخلاقی و معنوی در آسیای مرکزی است و نقش حیاتی اقتباس ادبی در انتقال دانش بین فرهنگی را به خوبی نشان می‌دهد.

منابع / References

Alisher Navoiy. (1983). Mahbub ul-qulub. T. G'. G'ulom nomidagi ASN.

Asqar Mahkam. (2003). Analhaq. A. Qodiriy press. Tashkent.

Badiuzzamon Furo 'zonfar. (1379). Sharhi Ahvoli Mavloni. -Tehron,



The Influence of Mawlawi Traditions in the Book Mabda'-al-Nur by Baba Rahim Mashrab/ Nargiza Shoaliyeva

Badriddinova, N. S. (2024). *Concept of Light and its Mystical and Philosophical Essence in Boborahim Mashrab's Work "Mabdai Nur"*. *Buletin Antropologi Indonesia*, 2(1), Article 7. <https://doi.org/10.47134/bai.v2i1.3403>

Chittick, W. C. (1983). *The Sufi Path of Love: The Spiritual Teachings of Rūmī*. SUNY Press.

Foruzanfar, B. (2000). *Sharh-e Ahvāl-e Mawlānā Jalāl al-Dīn Rūmī*. Tehran: Zavvar.

Gedik, S. (2011). *Language characteristics of Bābā Rahim Mashrab's Kitab-ı Mabda-i Nur Masnavi*. *Journal of Turkish Studies*. <https://doi.org/10.7827/TurkishStudies.2525>

Iste 'lomi, M. (2001). *Masnavi-ye Ma'navi: Muqaddima*. Tehran.

Karshiyeva, X., & Norkulova, S. (2024). *"Mabdai Nur" da ta'limiy-axloqiy masalalar talqini*. *Modern Science and Research*. <https://doi.org/10.5281/zenodo.14329977>

Kristeva, J. (1980). *Desire in Language*. Columbia University Press.

Mabdayi nur" (1994) Saylanma (g 'azallar va mustazodlar). "Fan", Toshkent

Schimmel, A. (1975). *Mystical Dimensions of Islam*. University of North Carolina Press.

Shoaliyeva, N. (2025). *A look at the translation of Rūmī's Masnavi in Uzbekistan*. *Scientific Mysticism and Literature Journal*, 1(1), 36–40.

Shoaliyeva N. (2023) بررسی مثنوی معنوی در ازبکستان و احمیت زن در آثار مولانا // 750th anniversary of the death of Jelaleddin Muhammed Belhi (Rumi), the 8th International Rumî Congress will be organized by the Near East University, Rumi Research Institute, on 14-17 December in Turkey. 253-260pp.

Shoaliyeva N. (2025) Understanding Mysticism in Alisher Navoi's "Foniy" Divan European International Journal of Philological Sciences, eISSN: 2751-1715 pISSN: Published Date -03-17, Pages17-20,